

نقش فقهی تربیتی ارتباطات در تربیت فرزندان

حوریه خدایی^۱

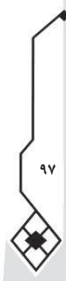
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۸

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است و عوامل مختلفی نظیر؛ نیازهای روزمره، تحصیل، اشتغال، معالجه، عبادات، معاملات و... موجب شده که چاره‌ای جز ارتباط با افراد جامعه از یک سو و ارتباط با اعضاء خانواده از سوی دیگر نداشته باشد. با گسترش مناسبات اجتماعی و نیز افزایش ارتباطات، نحوه ارتباطات نیز به گونه‌های مختلف گسترش یافته است. مسلماً بدون توجه به مبانی اعتقادی و فکری یک نظام جامع و مکتب عقیدتی که برای تمامی زوایای زندگی دنیوی و اخروی بشر، تعالیم و دستورات کامل، مرتبط و به هم تنیده‌ای دارد، نمی‌توان در درک و استنباط مقررات اجتماعی مبتنی بر آن موفق بود. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای با هدف بررسی تربیتی- فقهی ارتباط به بیان انواع ارتباطات پرداخته و ضمن بیان ارتباط کلامی، غیرکلامی و ارتباط همزمان کلامی و غیرکلامی احکام فقهی مرتبط با این نوع ارتباطات را بیان کرده و بسیاری از احکام و حقوق کیفری را جهت گسترش و سالم سازی ارتباط خانواده دانسته است.

واژه گان کلیدی: ارتباط، ارتباط کلامی، ارتباط غیرکلامی، تربیت



خانواده، یک سازمان اجتماعی کوچک است که روابط اعضای آن، به خصوص روابط والدین با فرزندان، مهم ترین عنصر شکل دهنده این سازمان است. رشد مطلوب و سالم فرزندان در تمام ابعاد موهون ارتباط مؤثر و مطلوب والدین با فرزندان می باشد. تحلیل های نظری و تجربی بسیاری به ارتباط مؤثر والدین با فرزندان اختصاص یافته است و پژوهشگران برای آن اهمیت و ارزش خاصی قائل شده اند. نوع ارتباط اعضا خانواده در تربیت فرزندان اثر غیر قابل انکار دارد. در این نوشتار منظور از تربیت تغییراتی است که فردی در فرد دیگر (والدین بر فرزندان یا فرزندان بر والدین و دیگران) به لحاظ روحی و روانی ایجاد می نماید.

مطالعات و تحقیقات فراوانی به اثربختری والدین بر فرزند و همچنین اثر فرزندان بر هر یک از والدین و دیگر اعضای خانواده و یا بر کل خانواده به عنوان یک رابطه دوجانبه و تأثیر متقابل توجه داشته اند؛ اما؛ بررسی مبانی روان شناختی ارتباط مؤثر و مطلوب والدین بر فرزندان از مهم ترین مسائل در حریم خانواده و سلامت روانی آن تلقی می شود. شیوه تعامل و ارتباط اعضا خانواده یکی از مؤلفه های مهم تربیت صحیح به ویژه در سالهای نخست عمر کودکان است. آگاهی و شناخت کافی و عمیق و مبتنی بر احکام فقه از این مبانی و شیوه ها می تواند ما را در پرورش شخصیت سالم فرزندان در خانواده یاری رساند و روش های مناسب و مؤثر را برای چگونگی و نحوه ارتباط در خانواده را به دست دهد.

یادآور می شود بحث در مسائل مختلف علوم انسانی اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و به ویژه تربیتی بدون التفات به زیربنای عقیدتی و اصلی و صرفاً به صورت انتزاعی، قطعاً استنتاج صحیحی به دنبال نخواهد داشت. همچنین فقیهی که پرورش یافته و به فعلیت رسیده، از زاویه نگاه تخصصی خود به مسائل نگاه می کند. لذا، نه فقط نسبت به احکام دانش دارد بلکه زوایای مختلف حکم را در نظر گرفته و نظر خود را از منظر تخصص در عبادات، معاملات و سیاست با رویکرد تأثیرات عقیدتی و اجتماعی و تربیتی بیان می کند. به نظر می رسد این روش، نگاه عمیق تر به فقه است.

اهمیت بررسی بعد تربیتی احکام فقهی وقتی روشن می گردد که پذیرفته شود اساساً امور مبنائی در جهان بینی اسلام، نظیر جایگاه انسان در نظام خلقت، هدف از خلقت و وظیفه و تکالیف انسان در عرصه زندگی، کرامت، و شأن والا و منزلت خاص او و نظائر آن، در نظام حقوقی اسلام بسیار تعیین کننده است.

در خصوص بحث تربیتی ارتباطات خانواده مباحث زیادی مورد توجه اندیشمندان بوده و



تلاش‌های قابل توجهی صورت گرفته است. با این حال بررسی مسائل با رویکرد فقهی - تربیتی مطمح نظر محققین نبوده است. البته به صورت موردی برخی از مباحث ارتباطات و آثار اجتماعی آن در مقالات مورد ارزیابی قرار گرفته است. لذا در ادبیات علوم تربیتی به صورت نظام مند و کلی به مسئله حاضر نگریسته نشده و موضوع حاضر از این حیث بدیع است. در عرصه برقراری ارتباط در خانواده و اجتماع تلاش‌های قابل توجهی صورت گرفته است. آقای رمضان جهانیان در مقاله‌ای تحت عنوان «ارتباطات غیر کلامی» به بررسی زبان گفتاری و زبان رفتار پرداخته اند. سید عبدالرسول علم الهدی، در مقاله‌ای با موضوع «عفاف اسلامی در سطوح ارتباطی انسان: کلامی و غیر کلامی» به توضیح ارتباط در سطوح مختلف پرداخته است. صدیقه کرمی و سید محمد رضا حسینی نیا در مقاله‌ای تحت عنوان «ارتباطات کلامی و غیر کلامی در خانواده از منظر قرآن کریم و روایات» پرداخته است و کتاب «مهارت‌های کلامی و غیر کلامی خانواده با نگاه وحیانی» تالیف آقای محمد معرفت ضمن بیان اصول حاکم بر ارتباطات خانواده شیوه‌های مؤثر ارتباط را نیز بیان می‌کنند. کتاب روش‌های تربیت تالیف آقای علیرضا اعرافی به بررسی آثار تربیتی فقه بطور عام پرداخته است. در نوشتار حاضر انواع ارتباطات در خانواده با رویکرد فقهی و ملاک بودن فعل و تقریر امام مورد بررسی قرار می‌گیرد و روشن می‌گردد که فقه امامیه در احکام عبادات و معاملات و حتی برخی از احکام کیفری بعد تربیتی و تاثیر احکام بر نحوه تعامل افراد خانواده و رشد و تعالی این تعامل و ارتباط را در نظر داشته است. و البته هر یک از احکام فقهی ذکر شده قابلیت نگارش مقاله با رویکرد تربیتی وجود دارد و همچنین در عرصه اصول و شیوه‌های عملگر بر اساس قوانین فقه نیز با همین رویکرد در خانواده به علت وسعت مطالب جادارد مقاله‌ای جداگانه نگارش شود.

۱- گونه‌های مهم ارتباط

الف: ارتباط کلامی

واژه‌ها و کلمات، نقش ویژه‌ای را در نقل و انتقال مفاهیم و احساسات انسان‌ها دارند. بسیاری از ارتباط‌های انسانی از طریق گفت و گو شکل می‌گیرد. در میان گونه‌های ارتباط، گفت و گو جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. زبان مهم ترین عامل ارتباطی انسان و کلام ساده ترین و کاربردی ترین وسیله تبادل و تفاهم انسان‌ها به شمار می‌رود. ارتباطات کلامی که قدمتی به درازای عمر بشر دارد، از همان ابتدا در آموزه‌های دینی پیامبران الهی، محل تاکید و توجه بوده و آنان طی رسالت خود برای هدایت امت خود و نیز تاکید بر کلام و اثبات حقانیت خود، گزیری

از کاربرد آن نداشته اند. اهمیت این مطلب تا آنجاست که حضرت موسی علیه السلام در آغاز رسالت خویش از خداوند درخواست برقراری یک ارتباط کلامی به بهترین شکل ممکن را دارد و می‌فرماید «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي، يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه، ۲۷-۲۸) منظور از گشوده شدن گره زبان گره‌های سخن است که مانع درک و فهم شنونده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳/ ۱۸۸).

زبان، پژواک اندیشه است، به این معنی که زبان انسان عاقل و خردمند به دنبال اندیشه و تدبیر او به حرکت در می‌آید و اندیشه نارسا به گفتار ناتمام و نارسا می‌انجامد، امام علی علیه السلام در این باره فرمودند: «لسان العاقل وراء قلبه و قلب الاحمق وراء لسانه» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰). در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است «إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ وَرَاءَ قَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بَشَىءٍ تَدَبَّرَهُ بِقَلْبِهِ ثُمَّ أَمْضَاهُ بِلِسَانِهِ» (المحجة البيضاء، ۵/ ۱۹۵) زبان انسان با ایمان پشت قلب (و فکر) او است، لذا هنگامی که می‌خواهد سخنی بگوید نخست در آن تدبیر می‌کند سپس بر زبانش جاری می‌سازد.

در هر نوع ارتباط کلامی وجوب محوریت «قول معروف» دستور قرآن کریم است. در ارتباط گفتاری باید سخنی گفته شود که «معروف» است «... وَ قُلْنَا قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲). «ع ر ف» در مشتقات مختلف به معنایی چون بلندی، ارتفاع، رئیس قوم، هر رفتاری که خیر است و هر خیری که انسانها آن را می‌دانند و درون آنها به آن آرامش می‌گیرد، احسان، رفق (مدارا) که شرع آن را پسندیده و امثال آن به کار رفته است (فیومی، ۱/ ۴۴۰؛ ابن منظور، ۹/ ۲۴۱). از نظر ابن ادریس عرف عبارت است از عمل یا گفتاری که به صورت پیوسته در میان مردم و یا در شرع رایج است (ابن ادریس، ۲/ ۱۰۹).

به نظر میرسد ماده «ع ر ف» در همه استعمال‌ها به معنای نوعی بلندی است و در اینجا عبارت است از هر گفتاری که مانند کوهی بلند مرتبه، حُسن و ستودگی آن مورد مقبول همگان است. لذا بیان علامه طباطبایی در تفسیر «قول معروف» که می‌فرماید: «لحن به بیش از مدلول خود اشاره نکند و از هرگونه اشاره به فساد و ریبه دور باشد» (طباطبایی، المیزان، ۱۶/ ۳۰۹)، صحیح به نظر میرسد. این بیان علامه می‌رساند که والدین و مربیان باید بدانند با افراد در سطوح مختلف چگونه ارتباط برقرار کنند و ضمن دقت در انتخاب کلمات باید مراقب آهنگ صدای خود نیز باشند. همچنین گفتگوی اعضای خانواده باید محترمانه و با آهنگ ملایم باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یا مهزم، شیعتنا من لا یعدو (او لا یعلو) صوته سمعه» (صالح المازندرانی، ۹/ ۱۶۳) شیعه ما کسی است که صدایش از گوشش نگذرد.

فرزندان در گفتار با والدین باید نهایت احترام را رعایت کنند. در آیه تأفیف خداوند

میفرماید: «فلا تقل لهما أف» (إسراء: ۲۹). «أف» گفتن و «رنجاندن» مصادیقی از گفتار ناشایست است که ارتباط کلامی فرزندان با والدین را دچار آسیب جدی خواهد کرد. آیه از «أف» گفتن نسبت به والدین نهی کرده و نهی یا حقیقت در تحریم است (قمی، ۱/ ۱۳۵؛ خراسانی، ۱۸۵؛ مظفر/ ۱/ ۱۰۵؛ عراقی، ۲/ ۴۰۲) و یا طبق نظر مشهور، ظهور در حرمت دارد (سیوطی، ۱/ ۹۵؛ عراقی، ۱/ ۴۰۲؛ نائینی، ۲/ ۳۹۴؛ خوبی، ۴/ ۸۶؛ بروجردی، ۲۴۸؛ خمینی، ۱/ ۳۷۳)؛ که با توجه به حجیت ظواهر خراسانی، ۲۸۲؛ نائینی، ۲/ ۹۱؛ مظفر، ۲/ ۱۳۰؛ صدر، ۲/ ۱۸۰) نتیجه اش، حرمت تأیید خواهد بود. همچنین به مفهوم موافق^۱ از استفاده می شود که اگر «اف» گفتن به پدر و مادر حرام است، به طریق اولی ضرب و جرح و سایر رفتارهایی که با احترام آن‌ها منافات دارد نیز حرام است.

یکی از آسیب‌های ارتباط کلامی همسران «ظهار» است. در زمان جاهلیت هنگامی که اعراب می‌خواستند همسر خود را طلاق دهند «ظهار» می‌کردند یعنی به او می‌گفتند: «انت علیّ کظهر ائی» (تو نسبت به من همچون مادر من هستی) طلاقی که نه قابل بازگشت بود و نه زن آزاد می‌شد که بتواند همسر دیگری برگزیند و این بدترین حالتی بود که برای یک زن شوهردار ممکن بود رخ دهد (مکارم شیرازی ۴۰۷/۲۳). ظهار «اختلال در روابط زناشویی» است که آسیب در ارتباطات انسانی همسران را به همراه داشت از این نظر که زنان را در یک حالت تعلیق قرار می‌داد که فشار روحی مضاعفی را برای آنان به دنبال داشت. با این نوع طلاق زن را در یک حالت بلا تکلیفی قرار می‌گرفت. اعراب این کار را برای تنبیه زن انجام می‌دادند و زن حرام ابدی می‌شد اما؛ اسلام از آن نهی کرد و حرمت ابدی آن را از بین برد (قرشی بنایی، ۱۱/ ۵۵). قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْتَهُمْ» (مجادله/ ۲) «کسانی از شما که با زنان خود ظهار کنند آنها مادر حقیقی شوهران نخواهند شد بلکه مادر ایشان جز آن که آنها را زاییده نیست و این مردم سخنی ناپسند و باطل می‌گویند، و خدا را عفو و بخشش بسیار است».

مهمترین مؤلفه‌های ارتباط کلامی در خانواده عبارت است از:

۱- مفهوم موافق در مقابل مفهوم مخالف قرار دارد و آن مدلول التزامی منطوق کلام است که باعث سرایت حکم منطوق، به موضوع دیگری که در کلام آورده نشده است، می‌گردد. از مفهوم موافق به "لحن الخطاب" و «فحوی الخطاب» و «مفهوم اولویت» نیز تعبیر شده است.

۱- سلام کردن

« فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً » (نور، ۶۱) هرگاه بخواهید به خانه‌ای داخل شوید نخست بر خویش سلام کنید که سلام تحیتی با برکت و نیکو از جانب خداست. پیشی گرفتن در سلام به مسلمانان، مستحب مؤکد و ترک آن مکروه است^۱. برخی، سلام کردن به نمازگزار را مکروه دانسته‌اند (طباطبایی یزدی، ۳/ ۲۴). در مقابل، برخی از فقها تفاوتی میان نمازگزار و غیر نمازگزار نگذاشته و سلام کردن را مطلقاً، حتی به نمازگزار، مستحب دانسته‌اند (بحرانی، ۹/ ۸۹-۹۰)؛ بلکه عدم کراهت سلام کردن به نمازگزار به مشهور نسبت داده شده است (مقدّس الأردبیلی). پیشی گرفتن در سلام به مسلمانان، مستحب مؤکد (طباطبایی یزدی، ج ۳، ص ۱۵) و پاسخ دادن سلام به نیکوتر از آن در غیر نماز، مستحب و مورد تأکید است (تحریر الوسيلة، ۱/ ص ۱۸۷).

۲- گفتار کریمانه

« وَقُلْ هُمَا قَوْلًا كَرِيمًا » (اسراء، ۲۳). سنت پیامبر اسلام ﷺ بر خورد کریمانه با خانواده است. می‌فرمایند: «مؤمن ترین مردم، کسانی‌اند که با خانواده خود خوش خلق‌تر باشند و بیشتر از همه به آنان لطف و محبت کنند و من بیشتر از شما به خانواده‌ام لطف و مهربانی می‌کنم» (حزعاملی، ۸/ ۵۰۷).

۳- شکرگزاری

«... أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمُنْصِرِ» (لقمان، ۱۴). در آیه، درباره نیکی به والدین سفارش شده و به دوران بارداری مادر اشاره کرده تا وجدان اخلاقی انسان را تحریک و بیدار کند. آیات به وضوح بیان می‌کند که والدین و فرزند، حقوق متقابل دارند، در آیه قبل موعظه پدر نسبت به فرزند مطرح شد، و در این آیه احسان و سپاس فرزند نسبت به والدین.

۴- موعظه

وعظ (مصدر موعظه) یعنی وادار نمودن آمیخته با تهدید و ترساندن که دل شنونده را نرم

۱- محمد بن یعقوب، عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، وسهل بن زیاد جميعاً عن ابن محبوب، عن عبدالله بن سنان، عن أبي عبدالله عليه السلام قال: ردّ جواب الكتاب واجب كوجوب رد السلام، والبادي بالسلام أولى بالله وبرسوله (وسائل الشيعة، ۱۲/ ۵۷).

کند. راغب در معنای موعظه میگوید: «اندرز دادن به خیر و نیکیها است که توأم با رقت قلب و مهربانی باشد» (راغب اصفهانی، ۸۷۶، ماده وعظ). اسلام نیز موعظه را یک امر مفید و مؤثر می داند و در مورد ارزش و اهمیت آن آیات و روایات فراوانی داریم، برای نمونه؛ قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (یونس، ۵۷) ای مردم! برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد و شفایی برای آن بیماری که در دل دارید و راهنمایی و رحمتی برای مؤمنان. و همچنین می فرماید: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِأَبِيهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳). یکی از جلوه‌های ارتباط انسانی والدین با فرزندان «موعظه دادن» به آنان است. تذکرو یادآوری سخنی که با خیر و خوبی همراه باشد و قلب و دل را لطیف و روشن سازد (فراهیدی، ۲/ ۲۲۸). البته موعظه، زمانی اثرگذارتر است که خود واعظ نیز به آنچه که می گوید اعتقاد و التزام داشته باشد.

۵- دعا

فیلسوفان مسلمان، انسان را دارای دو ساحت نفس و بدن می دانند؛ مائده‌های مختلفی برای ساحت روح در نظر گرفته شده که یکی از اساسی ترین آنها دعا است؛ دعا جدا از آنکه در آرامش روح نقش بسزایی دارد، در تربیت آن نیز بسیار موثر است. نیایش از جمله راه‌های ذکر و ارتباط با منشا هستی و پیوند انسان با خدای یکتا بوده و موجب پرواز روح به سوی ملکوت و فضای معطر معنوی و عرفانی می شود و دارای اثرات مطلوب و بسیار ارزشمند روحی، روانی تربیتی است. این اتصال با منبع وحی باعث کمک و در مسیر قرار گرفتن فرد می شود. فرد به وسیله همین ارتباط تمام حرکات و جوانبش را همساز و همصدا می کند تا وصول به حق به آسانی صورت پذیرد، کسی که این مسیر را یافته باشد، بی شک وسایلی فراهم می کند که کودک خویش را در همین مسیر قرار دهد؛ لذا؛ قرآن شریف سفارش به دعای والدین به فرزندان و همچنین فرزندان برای والدین دارد. «... وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْنَاهُمَا كَمَا رَحِمْتَ رَبَّنَا» (اسراء، ۲۴)، «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ» (ابراهیم، ۱۴)، «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ» (نوح، ۲۸). برخی آیات نیز دعای والدین به فرزند را یادآور می شود «وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي» (احقاف، ۱۵)، «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رِبًّا وَتَقْبَلَ دُعَاءِي» (ابراهیم، ۴۰).

۶- امر به معروف و نهی از منکر

اصل تکلیف به امر به معروف و نهی از منکر از ضروریات دین است که در امور واجب، واجب



و در امور مستحب، مستحب می‌باشد. باید توجه داشت که امر و نهی گفتاری در امر به معروف و نهی از منکر موضوعیت دارد. ممکن است فرزندان معروف‌هایی را ترک کنند و یا منکرهایی را انجام دهند. نه تنها والدین باید فرزندان خود را از اعمال ناشایست نهی و به انجام اعمال نیکو تشویق کنند بلکه؛ در این راستا علاوه بر بیان حکم شرعی از صیغه امر و نهی برای وادار کردن به اتیان واجبات و ترک حرام استفاده نمایند^۱.

ب: ارتباط غیر کلامی

مهارت‌های «ارتباط غیر کلامی»^۲ نشانه‌هایی از حرکات بدن است که اطلاعات مختلفی را به مخاطب انتقال می‌دهند یا احساس و عقیده خاصی را بدون استفاده از کلمات بیان می‌کنند. از ارتباط غیر کلامی می‌توان اطلاعات بیشتر به مخاطب انتقال داد و یا اطلاعات بیشتری از مخاطب درک کرد (فرهنگی، ۲۲). ارتباط غیرلفظی یا ارتباط غیر کلامی، انتقال پیام از طریق یک بنیاد غیرکلامی مانند تماس چشمی، حالات چهره، ژست‌ها، وضعیت بدن و زبان بدن است. این نوع ارتباط شامل استفاده از نشانه‌های حرکتی، فاصله و محیط‌های فیزیکی و ظاهری، تَن صدا و لمس می‌باشد. همچنین می‌تواند شامل استفاده از زمان (زمان بندی شناسی) و اقدامات نگاه کردن در حین صحبت کردن و گوش دادن، دفعات نگاه‌ها، الگوهای ثابت، گشاد شدن مردمک چشم و سرعت پلک زدن باشد (Karen A. Foss & Stephen W. Littlejohn, ۲۰۰۹). علائم غیر کلامی، احساسات فرد را به تصویر می‌کشند و صاحب‌نظران معتقدند که در تعبیر و تفسیر و نتیجه‌گیری جنبه‌های اجتماعی، اهمیت رفتارهای غیر کلامی فرد مهم‌تر از پیام‌های کلامی اوست (امیرحسینی، ۱۴۷).

محرابیان متفکر ارتباطات غیرکلامی در ایران تاثیر ارتباطات از میان سه شکل به عنوان کلامی ۷٪ (کلمات)؛ آوایی ۳۸٪ (تن صدا، انعکاس) و دیداری ۵۵٪ رفتارهای بدنی غیرکلامی عنوان می‌کند. ارتباطات دیداری قابل کنترل‌ترین و ناخودآگاهانه‌ترین عنصر پیام از فرستنده به گیرنده می‌باشد (<https://www.damandeh.com>).

اهمیت رفتارهای غیر کلامی فرد به حدی است که قرآن شریف سفارش به آن نموده است

۱- به نظر فقها امر و نهی در باب امر به معروف و نهی از منکر از جانب آمر و ناهی مولوی است ولو دارای مقام پایین‌تر باشند مثلا فرزندان پدر و مادر خود را امر به معروف و نهی از منکر نمایند لذا؛ صرف بیان احکام کفایت نمی‌کند بلکه باید دستور به انجام واجبات و ترک محرمات داده شود (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۱/ ۴۶۵).

«کونوا دعاه الناس بغير السننکم» (کلینی، ۲ / ۷۸). در بحث دعوت عملی، هم خود عمل و هم شیوه دعوت، بسیار مهم است. همه افکار و رفتار ما و اخلاق و رعایت آداب و... در دعوت عملی نقش دارد.

ارتباط والدین و فرزندان از جمله ارتباطات انسانی است که بخش اعظم این ارتباط را، ارتباط غیرکلامی تشکیل می‌دهد. ایجاد و رشد ارتباط مؤثر و مطلوب والدین با فرزندان بیش از آنکه تحت تأثیر ارتباط کلامی باشد، ناشی از ارتباط غیرکلامی است.

والدین یا فرزندان، افکار، نگرش‌ها و معانی مختلف را بیشتر از طریق حرکات چهره، آهنگ حرکات و طرز نگاه کردن و بالاخره مجموعه رفتار غیر کلامی به طرف مقابل منتقل می‌سازند. والدین در برقراری ارتباط با فرزندان باید سرزنده، و با روحیه باشند تا آن حس را به آنان انتقال دهند، که این بیشتر از طریق اشارات، حرکات چشمی، اصوات معنادار و حالات وضعی بدن ایجاد می‌شود.

در ارتباط والدین با فرزندان، چهره با مخاطب سخن می‌گوید. حالات چهره فرد، انعکاسی از اوضاع و احوال درونی اوست. چهره شاد و خندان، چهره غمگین، چهره آراسته، چهره درهم و آشفته، در شکل برقراری ارتباط مثبت یا منفی تأثیر دارد (رهنمایی، ۵۹۶). امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ بُشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ» (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۳): انسان باایمان شادی اش در چهره و اندوهش در درون قلب اوست.

برای داشتن ارتباط غیر کلامی صحیح و حاکم شدن عواطف انسانی در خانواده، باید از ایجاد عواملی که باعث برهم خوردن آرامش روانی و به تبع آن از بین رفتن کرامت نفس می‌شود جلوگیری کرد. تواضع و تکریم در آموزه‌های اسلام در مورد وضعیت بدنی، فروتنی و تواضع را در روابط بین افراد توصیه فراوان دارد «وَ اخْفِضْ هُمْأَ جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ...» (اسراء، ۲۴). فروتنی و تواضع یکی از مهمترین بخش‌های ارتباط غیرکلامی (زبان بدن) است. در شرع مقدس احکامی ذکر شده است که نشانگر چگونگی روابط غیر کلامی است. احکام ارتباط غیر کلامی را می‌توان به روش زیر طبقه بندی نمود:

الف- حرکات وضعی بدن

احکام طمأنینه و آرامش و سکون بدن در نماز، احکام حرکت کردن بدن در هنگام نماز و بطلان آن در صورت بیان اذکار هنگام حرکت بدن، حرمت مصافحه با نامحرم.

ب- اشاره ای

استحباب هدیه دادن (هبه) به فرزندان با رعایت مساوات و برابری بر پدر، عدم پذیرش شهادت پدر به سود یا زیان فرزند، سقوط حد سرقت پدر از مال فرزند (ابن ادریس حلی، ۳/ ۵۳۵) استحباب بوسیدن فرزند از روی محبت (وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۸۴)، حرمت تنبیه فرزند از روی عصبانیت و فرونشاندن غیظ (نجفی جواهری، ۴۱/ ۴۴۶؛ گلیایگانی، ۲/ ۲۸۱)، عدم حرمت ربا بین فرزند و والدین (نجفی جواهری، ۲۳/ ۳۷۹)، گناه شمرده شدن گمان بد «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات، ۱۲)، حرمت رهبانیت و عزلت به معنی دوری نمودن از اجتماع و عزلت از خانواده «لا رهبانیه فی الاسلام» (تمیمی مغربی، ۲/ ۱۹۳)، تبعیت فرزند از والدین تا قبل از بلوغ در اسلام و کفر (نجفی جواهری، ۳۰/ ۲۱۱-۲۱۳)، رعایت پاکیزگی در نماز.

وفای به عهد از سوی والدین از مسائلی است که در تربیت فرزندان بسیار اثرگذار است و در خصوص تاثیرگذاری آن در تربیت کودکان اتفاق نظر وجود دارد. عهد، تعهد و پیمانی است که بین شخصی با شخص دیگر بسته می شود. وجوب وفای به عهد بر اساس ادله فقهی محرز است و شخص باید به تعهدی که داده است ملتزم باشد. وفای به عهد درباره کودکان نیز واجب بوده و تخلف از آن گناه محسوب می شود. واژه گان مشابه عهد مانند وعد، قسم، نذر و عقد با توجه به داشتن مفاهیم مشترک با عهد حکم عهد را دارند و وفای به آنها واجب و الزامی است، خصوصاً اگر در هنگام عهد و وعد شخص عهد کننده قصد عدم وفا و تخلف را داشته باشد فعل حرام انجام داده است. البته باید توجه داشت که مورد عهد باید به لحاظ شرعی مجاز باشد و عهد کردن یا وعده دادن به امور غیر شرعی نافذ نیست لذا؛ عمل کردن به آن لازم نیست. همچنین آنچه که مورد حکم لزوم به وفاست و عاقد است اما وعید مانند تهدید به تنبیه و توبیخ لازم الوفا نیست.

از موارد دیگر رعایت عدالت بین فرزندان است. شهید اول رعایت عدالت بین فرزندان را مستحب دانسته و تفصیل بین آنها را مکروه می داند (حلی علامه)، ۱۴۱۳ق، ۳/ ۲۷۹؛ عاملی (شهید اول)، ۲/ ۲۸۶؛ بحرانی، ۲۲/ ۳۲۱؛ نجفی جواهری، ۲۸/ ۱۹۱).

قاعده لاضرر در کلیه ابواب فقه جریان دارد و به معنای نفی هر حکمی است که موجب ضرر باشد. یکی از مصادیق ضرر نحوه تعامل خارج از عدالت والدین با فرزندان است. اگر ترک عدالت بین فرزندان موجب وارد شدن ضرر به فرزندان گردد ولو حکم اولیه جواز عدم عدالت باشد بر اساس این قاعده جواز مرتفع و حکم حرمت ثابت می گردد (اعرافی، ۴۵).

ج- چهره ای

عبادت بودن نگاه به پدر و مادر از روی مهر و عاطفه و محبت در لسان روایات، نگاه به مؤمن، با چشم محبت و مودت که نشان دهنده علاقه قلبی آنان است و نزد خداوند، عبادت به شمار می‌رود، احکام نظر و نگاه، داشتن پوشش مناسب در ارتباطات. این موارد نشان می‌دهد دایره فقه، بسی وسیع است و از حالت‌های فردی و شخصی فراتر رفته و در نماز و روزه و تهجد و ذکر، خلاصه نمی‌شود.

ج: ارتباط همزمان کلامی و غیرکلامی

برای تاثیر، رسایی و کاربرد بیشتر ارتباط، می‌توان ارتباط کلامی و غیرکلامی را باهم به کار برد. در گونه سوم که رایج‌ترین ارتباط است، زبان گفتاری با زبان بدنی یا رفتاری هماهنگ به کارگرفته می‌شود تا منظور گوینده بهتر و کامل‌تر ادا و تفهیم گردد. تعامل ارتباط کلامی و غیرکلامی، به شکل طبیعی و بدون صرف زمان اضافی و تدبیر پیشین، صورت می‌پذیرد. رفتار ما اغلب ناخودآگاه سخن می‌گوید و با دیگران رابطه برقرار می‌نماید. کافی است انسان از دوران کودکی، نمادهای گفتاری و رفتاری مناسب را از پدر و مادر و دیگران فراگیرد و آنها را در جای مناسب باهم منطبق کند (جهانگرد، ۱۳۸۲).
ناهماهنگی پیام‌های کلامی و غیرکلامی مانع ارتباط روشن و موثر بین افراد می‌شود. گاهی از سوی فرستنده، پیام‌های متعارض و دوسطحی ارسال می‌شود، مانند زمانی که با زبان، کلامی گفته می‌شود و همزمان، از طریق حرکات بدن یا چهره، پیامی مخالف آن ارسال می‌شود. بنابراین باید از تعامل درست این دو ارتباط، ارتباط سالم و سازنده‌ای به وجود آورد. در برخی از احکام فقهی این سه نوع ارتباط لحاظ شده و بدلیل قوت تاثیرگذاری آن مورد تاکید قرار گرفته است مانند حرمت غیبت (رک: شیخ انصاری، ۱/ ۲۶۷، ۳۱۹؛ رک: خمینی، ۳۷۰، ۴۸۰).

۱- حرمت غیبت اعضاء خانواده

غیبت، نظیر تجسس یکی از طرق مرتبط با نقض حریم خصوصی است. اشخاص غالباً از نقل عیوب و مطالب پوشیده و پنهان خود ناراحت و رنجیده خاطر می‌گردند. شخص غیبت کننده بنابه اغراض خود عملاً با بیان مطالب مستور از دیگران سخنی را مطرح می‌نماید که موجب ترور شخصیت اشخاص می‌شود. مطالب پوشیده و پنهان معمولاً امور شخصی است که ورود به قلمرو آن به نوعی همراه با نقض حریم خصوصی است. پرهیز از نقل مطالب مربوط به دیگران به



نوعی ممانعت و یا امتناع از ورود به قلمرو حریم خصوصی دیگران است. غیبت از پاره‌ای جهات با تجسس مشابهت زیادی دارد. معمولاً شخصی که تجسس می‌نماید اقدام به نقل دستاورد و مطالب به دست آمده برای دیگران می‌نماید که این عمل غیبت است. ولی ممکن است هر یک به تنهایی انجام گردد. مثلاً فقط تجسس و عیب جویی نماید و یا آنکه بدون تجسس مطالبی که از دیگران شنیده را نقل نماید، که در این حالت مرتکب غیبت گردیده است.

در فقه بر اساس ادله احکام، حکم تکلیفی غیبت حرمت است. در حقیقت پرهیز از آن به عنوان امری پیش‌بینی شده است که جنبه پیشگیری از جرم دارد. بنابراین سیاست جنائی اسلام بر این پایه قرار دارد که با تحریم غیبت، اشخاص را از دامنه بدگویی در مورد دیگران و نقل مطالب مستور و پنهان آن‌ها برحذر دارد. در نتیجه فرد مسلمان با پرهیز از غیبت از دامنه ورود به معصیت و جرم دیگر یعنی ترور شخصیت و نقض حریم خصوصی دیگران و گناهان دیگری از این قسم مصون می‌ماند. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور، ۱۹) آنان که دوست می‌دارند که در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد آنها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا (فتنه‌گری و دروغشان را) می‌داند و شما نمی‌دانید.

علامه طباطبائی معتقد است حکم مربوط به غیبت در موضوع تجسس نیز جاری است. تفاوت بین این دو آن است که غیبت آشکار ساختن عیب فردی برای فرد دیگر است ولی تجسس اقدام و تلاش برای مطلع شدن از عیب دیگری است. بنابراین بعید نیست که در جمله «أَيُّحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتاً...» بیان علتی برای هر یک از دو جمله قبل یعنی «وَلَا تَجَسَّسُوا» و جمله «لَا يَغْتَابَ بَعْضُكُم بَعْضاً» شده باشد. پس عبارت «لَحْمَ أَخِيهِ» قرینه‌ای است برای حرمت تجسس تنها در مورد مسلمانان، همان‌گونه که قرینه‌ای است برای حرمت غیبت مسلمانان، زیرا "برادری" تنها مخصوص مؤمنین است (طباطبائی، ۱۸ / ۳۲۴).

غیبت بر چند قسم است: «غیبت گفتاری» یعنی انسان نقص مؤمن دیگر را به دیگری بگوید. «غیبت نوشتاری» یعنی عیوب مسلمانی را بنویسد و یا در مجله و روزنامه منتشر کند. «غیبت کرداری» مثل راه رفتن شبیه فرد معیوب یا به چشم و ابرو و حرکت دست و سر و امثال این‌ها اشاره به نقص کسی کند که این را «محاکات» گویند. «غیبت کنایی» غیبت کردن به کنایه، مثل این که بگوید: «الحمد لله که خدا ما را به حب ریاست یا سعی در تحصیل مال مبتلا نکرد، یا بگوید: «خدایا ما را محافظت کن از... و غرض از این‌ها کنایه به شخصی باشد که مرتکب این اعمال باشد. «غیبت به تعریض» مثل این که بگوید الحمد لله من مبتلا به فلان چیز و یا فلان عمل نیستم و نظرش گوشه‌زدن به کسی است که دارای فلان چیز یا فلان عمل است

(طیب، ۱/ ۳۳۱). «غیبت اشاره‌ای» مروی است که: «زنی بر عایشه وارد شد چون بیرون رفت عایشه با دست خود اشاره کرد که این کوتاه است. حضرت فرمود که غیبت او را کردی^۱ (مجلسی، ۷۵/ ۲۲۴؛ مجموعه ورام، ۱/ ۱۱۸).

۲- نهی از سوء ظن

از موارد دیگر جمع گفتار و کلام نهی از سوء ظن نسبت به افراد خصوصاً اعضاء خانواده است. سوء ظن از جمله اموری است که به عنوان مقدمه و موجبی برای تجسس و مداخله در امور دیگران و نهایتاً نقض محدوده و حریم خصوصی آنان می‌گردد. "ظن" در فقه امامیه در مواضع مختلفی به کار رفته است. در قرآن آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ...» (حجرات/سوره ۴۹، آیه ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری سوء ظن بپرهیزید زیرا که برخی از سوء ظن‌ها گناه می‌باشد...» همچنین: «وَوَظَنُّمُ ظَنًّا السَّوِّءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا» (فتح، ۱۲) و بسیار گمان بد و اندیشه باطلی کردید و مردمی در خور قهر و هلاکت بودید.

ملامت و نهی سوء ظن در آیه در کنار نهی از تجسس مطرح گردیده است. در حقیقت گمان بد خود ریشه و عاملی برای تجسس در امور دیگران است و چنان‌چه در حالت طبیعی اشخاص از سوء ظن اجتناب ورزند درصدد تجسس برنخواهند آمد. به عبارت دیگر سوء ظن یکی از عوامل تجسس است و لذا نهی از آن روشی برای پیشگیری از تجسس است.

سوء ظن در روایات مختلف از معصومین علیهم‌السلام نیز نهی گردیده است. حضرت امیرالمومنین امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «ضع امر اخیک علی احسنه»^۲ (مجلسی، ۷۲/ ۲۰۰)

۳- منع ورود به منزل غیر

ورود به منزل غیر بدون استیذان فقط از جهت تصرف و نظائر آن مشمول حرمت و

۱- «دَخَلَتْ عَلَيْنَا امْرَأَةٌ فَلَمَّا وَلَتْ أَوْمَأْتُ بِيَدِي أَنَّهَا فَصِيرَةٌ فَقَالَ النَّبِيُّ ص قَدْ اغْتَبَيْتَهَا وَ نَهَانِي عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ» (مجلسی، ۷۵/ ۲۲۴). «زنی نزد من و رسول الله آمد وقتی برگشت (پشت کرد) من با دستم به او اشاره کردم که

کوتاه قد است. پیامبر (ص) فرمودند: غیبتش را کردی و من را از این کار نهی کردند.»

۲- عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَلَامٍ لَهُ: ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يُغْلِبُكَ مِنْهُ وَ لَا تَنْظُنَّ بِكَلِمَةٍ حَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءاً وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَخْمِلاً (کلینی، ۲۰/ ۳۶۲) از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در ضمن سخنی از (سخنان) خود فرمود: هر کار (ی که از) برادر دینی خود (سرزند آن) را ببهترین وجه آن حمل کن، تا کاری کند که راه توجیه را بر تو ببندد، و هیچ گاه بسخنی که از (دهان) برادرت بیرون آید گمان بد مبر، در صورتی که برای آن سخن محمل خوبی می‌یابی.

ممنوعیت نیست. چه بسا صرف ورود فیزیکی شخص نیز از لحاظ حقوقی مجاز باشد. یعنی از لحاظ حقوقی امکان دسترسی و ورود فراهم باشد ولی به لحاظ جنبه‌های دیگر ممنوعیت و حرمت وجود داشته باشد به عبارت دیگر؛ در منع ورود به منزل غیر دو حرمت وجود دارد یکی از نظر فیزیکی و دیگری از نظر معنوی یا حریم خصوصی که ممکن است با گفتار یا نگاه سوء همراه باشد. از ادله احکام در فقه امامیه اهمیت حفظ حریم خصوصی اشخاص از طریق منع ورود بدون اجازه قبلی از صاحب خانه، قابل استنباط است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا...» (نور، ۲۷) ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و ماجرای صدور حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام». حرمت ورود به منزل دیگران بدون اذن آنها، در بادی امر ورود به حریم خصوصی منازل و اماکن محسوب می‌گردد ولی در حقیقت این مداخله در ملک دیگری اگر در معنای صرفاً فیزیکی اش معنا شود تحت عناوین غصب و تصرف عدوانی قابل بررسی است. ولی شاید از عمده دلائل ناخوشایندی افراد در اشراف غیرنسبت به منزل ایشان (حتی هنگامی که در منزل حضور ندارند) کسب اطلاع و دستیابی به امور محرمانه و اسرار ایشان باشد. ماجرای حدیث معروف "لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام" در مورد سمره بن جندب که قاعده فقهی لا ضرر از آن استخراج گردیده به گونه‌ای دلالت بر این معنی دارد.

۴- احترام به حریم خصوصی

از نظر فقهی حریم خصوصی با عنوان «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» تعبیر شده و مصادیق آن را می‌توان در ذیل عناوینی مانند: سوء ظن، غیبت، تجسس و... پی گرفت. در قرآن و روایات، اموری که به گونه‌ای موجب نقض حریم خصوصی می‌گردند نهی شده است. حریم خصوصی به لحاظ ارتباط با شخصیت و آبروی اشخاص دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. در فقه بحث "حریم خصوصی" تحت این عنوان مطرح نگردیده ولی مقولات و مسائل آن با مبانی متعدد و محکم مورد حمایت قرار گرفته است. می‌توان گفت که رعایت چنین حقی قبل از آنکه در حقوق مغرب زمین و کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی حقوق بشری پیش‌بینی گردد، در منابع فقهی و حقوقی اسلام مطرح بوده است. آیات متعدد قرآن شریف و سنت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام دلالت بر ضرورت و وجوب رعایت حریم شخصی دیگران و حرمت نقض آن دارد. احکام مرتبط با حریم خصوصی از اصول و قواعد و احکام مختلف قابل استنباط است. از جمله: ممنوعیت تجسس، ورود به منازل بدون استیذان، استراق بصر، استراق سمع، سوء ظن، نمیمه و غیبت، سب و هجو و قذف، اشاعه فحشا و هتک ستر، خیانت در امانت و نظائر آن که

به نوعی بر حقوق و آزادی‌های فردی و حق حریم خصوصی دلالت می‌نمایند. همان‌طور که اشاره گردید این موارد مستقیماً تحت عنوان و یا به منظور حمایت از حریم خصوصی وضع و مطرح نشده‌اند، ولی مفهوم و مقررات مربوط به حریم خصوصی از آن استنباط می‌گردد.

۵- اطاعت والدین

از جمله مواردی که می‌تواند زمینه ساز آزار و اذیت والدین شود، مسأله عدم اطاعت از آنها است. بیشتر فقها، اطاعت از والدین را در صورتیکه با واجبات و محرمات الهی مخالف نباشد، واجب دانسته‌اند. شهید اول حکم وجوب اطاعت از والدین را به طور مطلق بیان نموده است (عاملی، ۴۶/۲). شهید ثانی نیز بر همین عقیده است (شهید ثانی، ۴/۳). کاشف الغطاء هم وجوب اطاعت را بر اوامر صادره از افراد مفترض الطاعه مانند شارع، مولی، ولی یا یکی از والدین مترتب می‌داند (کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ۱/۱۵۵). از اینکه ایشان وجوب اطاعت از والدین را در ردیف اطاعت از شارع آورده و مقید به چیزی نکرده است، معلوم می‌شود دیدگاه او وجوب اطاعت به طور مطلق است به جز موارد مخالف با احکام شارع که با دلیل خاص از عموم وجوب اطاعت والدین، خارج شده‌اند. محقق اردبیلی می‌نویسد: «عقل و نقل دلالت بر حرمت عقوق و وجوب پیروی از والدین دارند» (اردبیلی، ۳۸۰). محقق قمی مدعی اجماع بر وجوب اطاعت از والدین در غیر امر به معاصی و نهی از واجبات است (قمی، ۱/۲۴۰). فاضلین نراقی (نراقی، بی تا، ۲/۲۷۵؛ نراقی، ۱۳۹۳، ۴۴۶)، طبرسی (طبرسی، ۶/۶۳۱) و بشیرنجفی (نجفی، ۲۳۵) نیز حکم به وجوب اطاعت مطلق از والدین داده‌اند.

در بسیاری از ابواب فقه که عدالت شرط است، اگر فرد مرتکب ایذای والدین شده باشد و توبه نکرده یا مورد عفو والدین قرار نگرفته باشد، فعالیت آن فرد در آن سمت یا عنوان فقهی جایز نیست. برای نمونه در باب گواه واقع شدن (نجفی، ۲۵/۴۱)، امام جماعت بودن (همان: ۱۳/۲۷۵)، امام جمعه بودن (موسوی عاملی، ۴/۶۶) قضاوت (علامه حلی، ۲/۱۳۸؛ طباطبائی مجاهد، ۶۹۵)، مرجعیت تقلید (محقق حلی، ۲۷۹) و همه امور مربوط به مجتهد (کاشف الغطاء، ۲/۱۸۳) ایذای والدین بطور مطلق چه از طریق کلام و گفتار یا از طریق رفتار باشد توسط صاحب این مناسبات قاذح عدالت است.

۶- بیدار کردن اهل خانه برای نماز

لزوم بیدار کردن افراد خانواده برای نماز یک مسئله است و چگونه بیدار نمودن و روش صدا زدن آنان نیز مسئله دیگری است که آداب و شرایط و مراتبی دارد. اگر شخصی که خوابیده



است، اهل بیدار کننده باشد، حکم بیدار کردن آن در روایات جواز با شرایط خاص و نهایتاً استحباب است. استدلال به سیره معصومین^۱ نیز وجوب را اثبات نمی‌کند زیرا سیره دلیل لبی است که به قدر متیقن آن اخذ می‌شود که استحباب است.

در کلمات فقها سه شرط برای جواز بیدار کردن اهل خانه و همچنین دیگران برای نماز ذکر شده است: رضایت شخص خوابیده، اذیت نشدن شخص خوابیده، عدم ضرر به شخص خوابیده (صافی گلپایگانی، ۸۹/۲؛ مکارم (استفتاءات جدید)، ۱۴۶/۲؛ گلپایگانی، ۵۲۷/۱؛ تبریزی، ۸۶/۱).

علاوه بر حکم اولی برای بیدار کردن اهل خانه برای نماز، ممکن است این عمل تحت عنوان ثانوی حکم دیگری بر آن مترتب گردد مثل؛ تربیت فرزند و تمرین دادن او برای عبادت که به عهده پدر و جدپدری است و امر به معروف و نهی از منکر برای جلوگیری از سبک شمردن و بی‌توجهی به نماز.

۷- تشویق فرزندان

تشویق اعمال و افعال فرزندان کار نیکو و مستحب است. اگر والدین فرزندان را تشویق کنند، خواه تشویق قولی باشد یا تشویق فعلی با بوسیدن او یا هدیه دادن به او، این هیجان از عمل زیبایی آن فرزند، موجب می‌شود تشویق فرزند به انجام اعمال حسن و نیکو می‌گردد. آیاتی در قرآن دلالت دارد که خداوند پیامبران خود را تشویق نموده و عمل آنها را با تمجید یاد کرده است، مانند تشویق پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ با گفتن: «إِنَّكَ أَنْتَ خَلَقْتَ عَظِيمٌ» (قلم، ۴) و در داستان ایوب علیه السلام فرمود: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ» (ص، ۴۴) ما او را شکیبا یافتیم، چه بنده خوبی است، همانا او ثابت قدم است (جمعی از محققین، ۴۱۶/۳).

۸- صله رحم

«صله» در لغت به معنای احسان و دوستی و «رحم» به معنای خویشاوندان و بستگان

۱- الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّلَبِيُّ فِي مَجْمَعِ الْبَيَانِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِذَا أَيْقَظَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مِنَ اللَّيْلِ وَتَوَضَّأَ وَصَلَّى كَيْبًا مِنَ الدَّاكِرِينَ اللَّهُ كَثِيرًا وَالدَّاكِرَاتِ (مجلسی، ۸۴ / ۱۵۸). هرگاه مرد نیمه شب همسرش را از خواب بیدار کند و هر دو وضو بگیرند و نماز بخوانند، در شمار مردان و زنانی قلمداد می‌شوند که بسیار به یاد خداوند. این روایت و سایر روایات دلالت بر وجوب بیدار کردن اهل برای نماز ندارد؛ زیرا در آن امر به بیدار کردن نشده است؛ بلکه با توجه به تعلیلی که در آن ذکر شده، دلالت بر استحباب آن دارد و برخی نیز استحباب آن را برای نماز شب می‌دانند.

می‌باشد (دهخدا، ۷ / ص ۱۰۵۱۹). صله رَجْم محبت و سلوک داشتن و عشق و علاقه با خانواده و خویشان و نزدیکان است. برخی نیز آن را به معنای احسان و نیکوکاری به خویشاوندان دانسته‌اند (ابن اثیر، ۵ / ۱۹۱).

اسلام تحکیم پیوندهای خویشاوندی و استحکام روابط خانوادگی را به شدت مورد تأکید و توجه قرار داده و صله رحم و رسیدگی به خانواده بستگان را به عنوان یک ارزش الهی واجب کرده است و خدای متعال آن را از شرایط مهم تقوا قرار داده، می‌فرماید: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء، ۱). بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر درخواست می‌کنید؛ و درباره ارحام کوتاهی نکنید، همانا خداوند مراقب شماست.

تاکید و سفارش نسبت به صله رحم در قرآن و احادیث، بیانگر ضرورت و نقش حیاتی آن است. در منابع فقهی ما نیز چنین آمده است: «صله رحم مطلقاً واجب است هر چند که خویشاوندان انسان مرتد یا کافر باشند» (خمینی، ۱ / ۴۸۷). اسلام برای عظمت مسلمانان از روش صله رحم به نحو کامل بهره برداری نموده است، دستور به اصلاح واحدهائی داده که معمولاً افراد از کمک و اعانت و عظمت بخشیدن به آن روگردان نیستند؛ زیرا تقویت بنیه افرادی را توصیه می‌کند که خونشان در رگ و پوست هم در گردش است، اعضای یک خانواده اند، و پیداست هنگامی که اجتماعات کوچک (خانواده) نیرومند شد، اجتماع بزرگ نیز قوی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش انواع روابط که می‌تواند باعث برقراری ارتباط موفق و سالم بین فرزندان و والدین باشد مورد بررسی قرار گرفت و رویکرد مناسب هر یک با توجه به احکام فقهی در ارتباط با همسران و فرزندان ارائه گردید.

رشد مطلوب و سالم فرزندان و روابط قانون مند و شریعت مدار در تمام ابعاد، وابسته به ارتباط موثر والدین از یک سو و والدین با فرزندان از سوی می‌باشد. در برقراری ارتباط موثر با فرزندان خود بهتر است با آن‌ها طوری رفتار شود که احساس ارزش و اعتبار پیدا نموده و از نظر عاطفی تامین شوند، در حقیقت بسیاری از مشکلات فرزندان به دلیل بی توجهی والدین در تامین نیاز آن‌ها در برقراری ارتباط براساس باورهای دینی است. بنابراین ضروری است که والدین از نحوه تعامل با فرزندان با توجه به خصوصیات، ویژگی‌ها، نیازها و در سنین مختلف آگاهی داشته باشند و درحین درک و همدلی و با هدف خشنودی حضرت شارع در سایه بکارگیری احکام الهی زندگی سعادت‌مند و مرضی پروردگار داشته باشند.

منابع و ماخذ

قرآن

نهج البلاغه

۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق). استفتاءات جدید، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۲. ابن اثیر (۱۳۹۹ق). النهایه فی غریب الحدیث والأثر، چاپ چهارم، محقق: طاهر أحمد زاوی - محمود محمد طنحی، بیروت: المكتبة العلمية. ابن ادريس حلی، (۱۴۱۰ق). محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، چاپ دوم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسين.
۳. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.
۴. اردبیلی (مقدّس)، احمد بن محمد، (بی تا). زبده البيان فی احکام القرآن، تهران: المكتبه المرتضویّه الحیاء آثار الجعفریه.
۵. اردبیلی (مقدّس)، أحمد بن محمد، (بی تا). مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، محقق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۶. اعرافی، علیرضا، (۱۳۹۵). روش های تربیت، قم: موسسه اشراق و عرفان.
۷. امیرحسینی، خسرو، (۱۳۸۲). خانواده خوشبخت، فرزندان موفق، تهران: عارف کامل.
۸. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۱ق). کتاب المکاسب محرّمه، قم: دار الذخائر.
۹. بحرانی، یوسف، (بی تا). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، محقق: محمد تقی ایروانی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۱۰. بروجردی طباطبائی، حسین (۱۳۷۵). نهاییة الاصول، محقق: منتظری، قم: مطبعة الحکمة.
۱۱. تبریزی، جواد، (۱۳۸۵). إستفتائات جدید، قم: سرور.
۱۲. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق). دعائم الاسلام، مصر: دار المعارف.
۱۳. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (بی تا)، مسالك الفهم الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۱۴. جمعی از محققین، (۱۴۲۸ق). أحكام الأطفال، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.

۱۵. جهانگرد، یدالله، (۱۳۸۲). نحوه رفتار والدین با فرزندان، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۱۶. حرّ العاملی، محمد بن الحسن، (بی تا). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۱۷. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ق). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف، (بی تا). ارشاد الأذهان الی احکام الایمان، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۹. حلّی (محقق)، جعفر بن حسن، (بی تا). معارج الاصول، محقق: محمد حسین رضوی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲۰. خراسانی (آخوند خراسانی)، محمد کاظم، (بی تا). کفایة الأصول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۲۱. خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۲). استفتات از محضر امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۲. خوبی، ابوالقاسم، (بی تا). محاضرات فی اصول الفقه، بی جا، بی نا.
۲۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان الداودی، بیروت: دار القلم.
۲۴. رهنمایی، سیداحمد، (۱۳۸۴). آشنایی با اصول و فنون مشاوره، تهران: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۵. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، (۱۳۹۴ق). الاتقان فی علوم القرآن، محقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۳۸۵). جامع الاحکام، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی.
۲۷. صالح المازندرانی، محمد، (بی تا). شرح الکافی، قم: المكتبة الإسلامية.
۲۸. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۰۶ق)، دروس فی علم الاصول، بیروت: دار الكتاب اللبناني.
۲۹. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۴۲۰ق). العروة الوثقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۰. طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین، (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: منشورات

- اسماعیلیان.
۳۱. طباطبائی مجاهد، سید محمد (بی تا). کتاب المناهل، بی جا: بی نا.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۳. طیب، عبد الحسین، (۱۳۸۶). اطيّب البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه جهانی سبطين.
۳۴. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (۱۴۱۷ق). الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، چاپ دوم، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۳۵. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، (بی تا). القواعد و الفوائد، تحقیق: سید عبد الهادی حکیم، قم: مفید.
۳۶. عراقی، آغا ضیاء الدین، (بی تا). نهاییه الافکار، محقق: محمد تقی بروجردی نجفی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسين قم.
۳۷. عراقی، ضیاء الدین، (بی تا). نهاییه الافکار، محقق: بروجردی نجفی، محمد تقی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۳۸. فرهنگي، علی اکبر، (۱۳۷۵). ارتباطات غیرکلامی، هنر استفاده از حرکات و آواها، یزد: میبد.
۳۹. فیومی، احمد بن محمد، (بی تا). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، بی جا: منشورات دارالرضی.
۴۰. فیض کاشانی، (بی تا). المحجة البيضاء، بی جا، بی نا.
۴۱. قرشی بناپی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۴۲. کاشف الغطاء، جعفر، (بی تا). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق). کافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۴. گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۴۰۹ق). مجمع المسائل، قم: دار القرآن الکریم.
۴۵. گلپایگانی، سید محمد رضا، (۱۳۷۲). الدر المنضود فی احکام الحدود، قم: دار القرآن الکریم.

۴۶. مازندرانی، محمد صالح، (بی تا). شرح الکافی، قم: المكتبة الإسلامية.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، چاپ دوم، تهران: مؤسسه الوفاء.
۴۸. مظفر، محمد رضا، (۱۳۷۰). اصول الفقه، چاپ چهارم، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۵۰. موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا). تهذیب الاصول، تهران: نشر آثار امام خمینی.
۵۱. موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا). مکاسب محرمة، محقق: مجتبی طهرانی، قم: مؤسسه إسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع.
۵۲. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۰). تحریر الوسيلة، چاپ دوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی إسماعیلیان.
۵۳. موسوی عاملی، سید محمد، (۲۰۰۷ق)، مدارك الاحکام فی شرح عبادات شرائع السالم، بیروت: مؤسسه آل البيت.
۵۴. موسوی خمینی، سید روح الله، (بی تا). تهذیب الاصول، محقق: جعفر سبحانی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی (التابعة) لجماعة المدرسين قم.
۵۵. میرزای قمی، ابوالقاسم، (بی تا). جامع الشُّتات فی أجوبه السؤالات، بی جا، بی نا.
۵۶. میرزای قمی، میرزا أبو القاسم، (۱۴۳۰ق)، القوانین المحکمة فی الاصول، محقق: صبح، رضا حسین، قم: احیاء الکتب الاسلامیة.
۵۷. نائینی، محمد حسین، (۱۳۶۸)، اجود التقريرات، محقق: سید أبو القاسم خوئی، چاپ دوم، قم: کتابفروشی مصطفوی.
۵۸. نائینی، محمد حسین، (۱۳۷۶)، فوائد الاصول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۹. نجفی جواهری (صاحب جواهر)، محمد حسن، (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق: عباس قوچانی و علی آخوندی، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۰. نجفی، بشیر حسین، (۱۴۲۷ق)، مصطفی الدین القیم، نجف: دفتر آیت الله نجفی.
۶۱. نراقی، احمد، (۱۳۹۳). معراج السعاده، قم: پیام مقدس.
۶۲. نراقی، محمد مهدی، (بی تا). جامع السعادات، چاپ هفتم، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۶۳. وزام بن أبی فراس، (۱۴۱۰). مجموعة وزام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)، قم: مكتبة الفقيه.

۶۴. منابع انگلیسی و سایت

65. Stephen W. Littlejohn & Karen A. Foss,(2009), SAGE Publications, Inc

66. <https://www.damandeh.com>

